



چرا تنگهٔ هرمز به وضعیت پیشا جنگ بر نخواهد گشت؟!

هرمز؛ ستون نظم امنیتی جدید ایران



تنگهٔ هرمز نه یک کارت موقت بازی، بلکه محور و سکوی اصلی برقراری نظام امنیتی و معادلهٔ بازدارندگی جمهوری اسلامی خواهد بود. بر همین مبنا هم نه فقط ائتلاف امریکایی – اسرائیلی، بلکه همهٔ دنیا باید با وضعیت پیش از جنگِ تنگهٔ هرمز خدا حافظی کنند. هرمز به وضعیت سابق بر نخواهد گشت. این عارضهٔ خدادادی سوق الجیشی، بخشی از طرح و توان نظامی و دفاعی ایران خواهد شد تا دشمن دیگر اجازهٔ تعدی به آب، خاک و آسمان ایران را به خود ندهد.

ایران از تنگهٔ هرمز دست نخواهد کشید. این را امریکایی‌ها باید هر روز با خود تکرار کنند. امریکایی‌ها باید با نظم پیشین امنیتی منطقه خدا حافظی و وداع کنند. دنیای جدید، دنیای اراده‌ها، نظم‌ها و واقعیت‌های جدید و نوین است و ایران تمام این‌ها را روی مفهوم هرمز بنا خواهد کرد.

تبعات این تجاوز را هم بپذیرد و این تبعات لزوماً از جنس اقدام نظامی نیستند. هر مصداقی که بتواند گلولی دشمن را بفشارد، بخشی از راهبرد نظامی و امنیتی ایران خواهد بود. در این نگاه، تنگهٔ هرمز یک کانون مهم برای برقراری هندسهٔ امنیتی حول منافع ایران تعریف شده است. رفتار قدرتمندانۀ نیروهای مسلح در جنگ ۴۰ روزه و کنترل این تنگهٔ راهبردی، حالا برای ایران خلق قدرت کرده تا با اتکای بر آن، نظام امنیتی خویش را در منطقه طراحی کند. بر همین مبناست که ایران مدام تأکید دارد تنگهٔ هرمز دیگر هیچ‌گاه به وضعیت پیش از جنگ ۴۰ روزه برنخواهد گشت. تجربهٔ اخیر نشان داد که خویشتن‌داری سی‌واندی سالۀ ایران مانع از تهاجم و تجاوز نمی‌شود. در منطقه، کسی می‌تواند از منافع خود دفاع کند که دست قدرتمندتری برای اعمال ارادهٔ خویش داشته باشد و حالا تجربهٔ جنگ نشان داده که ایران این توانایی را داراست.

کنار تجربهٔ بعضی اقدامات تهاجمی دقیق و عمیق در عمق اهداف دشمن، راهبرد خویشتن‌دارانهٔ سه دههٔ گذشتهٔ ایران را به سمت یک راهبرد تهاجمی و از موضع قدرت تغییر داده است. بعضی قرائن این تغییر را از اتفاقات چند هفتهٔ اخیر هم می‌توان رصد کرد. جمهوری اسلامی ایران، راه اصلی دور کردن سایهٔ جنگ از کشور را برقراری یک نظام و معادلهٔ امنیتی جدید می‌داند که سطوح جدیدی از بازدارندگی را مبتنی بر رفتار راهبردی پساجنگ ۴۰ روزه برقرار کند.

در این نگاه، تنگهٔ هرمز دیگر صرفاً یک ابزار فشار یا اهرمی برای امتیازگیری نیست. ایران این مفهوم را دال مرکزی نظم امنیتی جدید منطقه غرب آسیا تعریف کرده است. هندسهٔ جدید امنیتی و نظامی غرب آسیا بر مبنای نقطهٔ کانونی تنگهٔ هرمز تعریف می‌شود. در این منطق، اگر قرار باشد دشمن فرمانطقه‌ای به ایران تجاوز کند، باید

تأپیش از جنگ اخیر، نوعی معادلهٔ امنیتی و بازدارندگی در غرب آسیا شکل گرفته بود که محور ضدایرانی منطقه، با تمام لفاظی‌ها و تهدیدها، اما خط قرمز تهران را رعایت کرده و حتی رفت و برگشت‌های امنیتی خود را با ایران در همان چهارچوب مدیریت می‌کردند. این معادلهٔ قدرت، با دو تهاجم اخیر، جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، عملاً از هم پاشیده شد. فضای فعلی پساجنگ، از نوعی است که هر چند ضرباتی جدی بر پیکرهٔ ائتلاف امریکایی – اسرائیلی وارد شده است، اما هنوز معادلهٔ جدیدی هم شکل نگرفته که کشور را بیمه و سایهٔ جنگ را از ایران عزیز دور کند.

جمهوری اسلامی ایران، با تجربهٔ جنگ ۴۰ روزهٔ اخیر، در سطوح راهبردی تغییراتی در نظام محاسباتی خویش به عمل آورد. اجرای دقیق راهبرد جنگ منطقه‌ای و ضربه به هر نقطه‌ای که مبدأ تجاوز به حریم ایران باشد، در

به نیابت از آقای شهید ایران

دوش به دوش عَلم

نماز ظهر را که سلام دادم، دختر جوان بالبخندی که گوشه‌ی لبش نشسته بود، گفت: «قبول باشه.»
 من و زهرا از یک نقطه روی نقشه‌ی ایران، از دو محله در تهران، راه افتاده بودیم و حالا اینجا، در حمیل، حدود هفتصد کیلومتر دورتر از پایتخت، کنار هم نشسته بودیم تا همه‌ی ذوقش را جمع کند و بریزد توی کلامش و از اربعین متفاوت امسال بگوید: «چند روز قبل از محرم عقد کردیم. هر سال با خانواده میومدم، اما امسال فرق داشت.»

هر که نمی‌دانست، فکر می‌کرد تفاوت را به خاطر زندگی و همراه جدید می‌گوید؛ اما نه. اوزود علامت سؤال ذهنم را پاک کرد: «امسال اربعین بوی خونخواهی می‌ده. اومدم به دنیا بگم این علم تا روز انتقام، روی دوش ما می‌مونه.»

منصوره جاسبی



قاب

تشییع پیکر ۱۱۲ شهید در غزه پس از ۳ سال زیر آوار ماندن

هزاران تن از مردم غزه با شرکت در یکی از بزرگ‌ترین تشییع جنازه‌های تاریخ این باریکه، پیکر ۱۱۲ تن از اعضای دو خانواده «حسینه» و «ابوشریعه» را که در حمله هوایی رژیم صهیونیستی در نوامبر ۲۰۲۳ به شهادت رسیده و نزدیک به سه سال زیر آوار مدفون بودند، تشییع کردند.



۱۳ مرداد ۱۴۰۵

اعتراف

تشدید فرسایش اعتبار آمریکا

جنگی که دونالد ترامپ با هدف تغییر معادلات راهبردی علیه ایران آغاز کرد، امروز به نمادی از ناکامی و محدودیت‌های قدرت این کشور تبدیل شده است. روزنامه نیویورک تایمز، در تحلیلی با اشاره به نگرانی متحدان واشنگتن، تأکید می‌کند که ادامه جنگ شش‌ماهه علیه ایران، نه تنها اهداف اعلامی ترامپ را محقق نکرده، بلکه آسیب‌پذیری راهبردی آمریکا را آشکار ساخته است. طبق این گزارش، کاهش ذخایر برخی تسلیحات کلیدی، ناتوانی در تغییر رفتار ایران و تداوم نقش تعیین‌کننده جمهوری اسلامی در تنگه هرمز، همگی نشان می‌دهد که برتری نظامی، الزاماً به معنای پیروزی سیاسی نیست. مهم‌ترین بخش این تحلیل، اشاره به نگاه متحدان آمریکا است. به گفته رابین نیبلت، رئیس پیشین اندیشکده چتم‌هاوس، این جنگ برای بسیاری از شرکای واشنگتن این پیام را داشته که اتکا به آمریکا دیگر تضمین‌کننده امنیت و تحقق اهداف راهبردی نیست. اگر این برداشت در میان متحدان آمریکا تقویت شود، پیامد آن تنها محدود به پرونده ایران نخواهد بود، بلکه می‌تواند بر جایگاه جهانی واشنگتن و اعتبار نظام ائتلاف‌های آن نیز تأثیری ماندگار بر جای بگذارد. در چنین شرایطی، نگرانی اصلی واشنگتن دیگر صرفاً نتیجه جنگ با ایران نیست، بلکه پیامدهای آن برای آینده ائتلاف‌های آمریکا است. هرچه این درگیری طولانی‌تر شود، تردید متحدان نسبت به کارآمدی قدرت آمریکا افزایش خواهد یافت و هزینه‌های راهبردی آن، فراتر از میدان نبرد، دامنگیر جایگاه جهانی آمریکا خواهد شد.